

## آیا رئیس جمهور غنی، افغانستان را از برزخ چالش روابط با هند و پاکستان بیرون خواهد کرد؟

محمد اکرام اندیشمند

روابط افغانستان با دوکشور هند و پاکستان که خصومت سنتی و تاریخی میان خود دارند، همواره چالش آفرین و پر از سود و زیان است. در حالی که افغانستان بر سر مرز طولانی با پاکستان یا مرز دیورند درگیر اختلاف و منازعه مزمن تاریخی است، پاکستان اثر گذارترین کشور همسایه بر ثبات و بی ثباتی سیاسی، امنیتی، اقتصادی و حتی اجتماعی و فرهنگی افغانستان شمرده می شود.

نکته مهم و قابل بحث در واقعیت های موجود خصومت میان هند و پاکستان با توجه به اختلاف و منازعه دیورند میان کابل و اسلام آباد، نقش و موقعیت افغانستان است. آیا رابطه و سیاست افغانستان با دو کشور مذکور بر مبنای منافع ملی اش شکل گرفته است؟ آیا سیاست های افغانستان در این موقعیت، سیاست کسب منافع و دفع مضرات ارزیابی می شود یا بالعکس؟

هندوستان و پاکستان از همان آغاز تشکیل به مثابه دوکشور متخاصم ظهور کردند. کشمیر به حیث عمده ترین موضوع منازعه و اختلاف میان آنها بود که دوبار (1947 و 1965) بر سر آن با هم جنگیدند. سومین جنگ (1971) بر سر بنگال بود که موجب تجزیه پاکستان و ایجاد کشور بنگله دیش شد.

برای کشور هند که از آغاز در خصومت با پاکستان قرار گرفت، افغانستان به عنوان همسایه پاکستان با داشتن اختلاف و منازعه مشابه کشمیر بسیار با اهمیت و مورد توجه محسوب می شد. از این رو زمام داران هند در منازعه دیورند جانب افغانستان را گرفتند و از این منازعه در جهت دشمنی با پاکستان سود بردند. به قول "زورور دولت سنگ" Zorawar Daulet Singh تحلیلگر روابط جهانی و امور استراتژیک در دهلی جدید: «سیاست سنتی هند در افغانستان بر بنیاد منطق جیو استراتژیک نفی "عمق استراتژیک" پاکستان اساس گذاشته شده بود و بدین ترتیب توجه اسلام آباد را از مرز هایش با هند بیشتر به خط دیورند با افغانستان معطوف ساخته بود.»

حکومت های هندوستان در تمام دوران منازعه میان پاکستان و افغانستان بر سر دیورند، از موقف رسمی افغانستان حمایت کردند. روابط هندوستان همواره با زمام داران افغانستان در کابل گرم و نزدیک بوده است. دولت هند به ویژه پس از پیوستن پاکستان به پیمان نظامی سینتو در آغاز دهه پنجاه میلادی سده بیستم، به برقراری مناسبات نزدیک با کابل پرداخت. زمام داران هر دو کشور در شروع جنبش کشور های غیر متعهد در شکل گیری و قوام این جنبش در واقع با انگیزه واکنش در برابر پاکستان، با همسویی بیشتر عمل کردند.

استراتژی هند در مناسباتش با افغانستان همیشه بر مبنای همکاری با دولت های برسر قدرت در کابل به استثنای حکومت طالبان، استوار بوده است؛ در حالی که سیاست پاکستان در جهت مخالف این استراتژی قرار دارد. هند در کمک به دولت های بر سر اقتدار در کابل خواستار قوت و نیرومندی آن دولت ها می باشد تا در

برابر پاکستان توان ایستادگی و مقاومت داشته باشند، اما پاکستان همواره در صدد آن بوده تا دولت های ضعیف و ناتوان را در کابل مشاهده کند.

روابط و همکاری هند با دولت های افغانستان تنهابه عرصه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خلاصه نمی شود، همکاری پنهان اسخباراتی و امنیتی در برابر پاکستان یکی از دیگر از عرصه های رابط میان دولت های دوکشور است. این رابطه از زمان صدارت سردار محمد داود تأمین گردید و دولت هند از این طریق، مقادر پول را بدسترس اداره قبایل و دستگاه استخبارات افغانستان قرار میداد تا از آن در موضوع پشتونستان یا منازعه دیورند استفاده شود.

اما نکته اساسی و مهم در مناسبات میان افغانستان و هند، تحلیل و بررسی نقش و تأثیر آن در روابط میان افغانستان و پاکستان و دسترسی افغانستان به منافع ملی خویش است. آیا این روابط، هدف افغانستان را در مورد آنسوی دیورند برآورده ساخت؟ این مناسبات تا چه حد مانع خصومت و دخالت پاکستان در تضعیف ثبات، استقلال و پیشرفت در افغانستان گردید؟

به نظر میرسد که پاسخ این پرسش ها در مسیر حوادث و وقایع چهار دهه اخیر افغانستان روشن شده باشد. در حالی که دولت ها و زمام داران افغانستان از روابط خود با هند در مقابل پاکستان به هیچ چیزی دست نیافتند، اما پاکستان از این رابطه در خصومت با افغانستان بهره گیری کرد. حتی زمام داران پاکستانی مؤفق شدند تا افکار عامه و ذهنیت بسیاری از حلقه ها و گروه های سیاسی و مذهبی پاکستان را در دخالت و خصومت علیه افغانستان به بهانه روابط کابل با دهلی نو آماده و قانع کنند. اما دولتمداران افغانستان هیچگاه مؤفق نشدند تا با اتخاذ یک سیاست دقیق و درست، از رقابت و خصومت هند و پاکستان در جهت منافع و مصالح افغانستان بهره بگیرند.

نکته دیگر در مناسبات هند و افغانستان، عدم ایستادگی صادقانه دولت هند در جانبداری از سیاست افغانستان بر سر منازعه دیورند با پاکستان است. هندوستان در حد معینی در چهارچوب منافع خود از موقف افغانستان در منازعه دیورند حمایت می کند. پس از تجزیه پاکستان و ایجاد کشور بنگله دیش وقتی سفیر هند اعتماد نامه اش را در سال 1972 به شاه ایران تقدیم کرد، گفت: «ما نمی خواهیم پاکستان پیش از این تضعیف شود، چون به وجود آمدن کشور های پختونستان و بلوچستان و غیره که تمام فقیر و گرسنه هم خواهند بود، درد سرهای بزرگتری در این منطقه به وجود می آورد.»

واقعیت های ناشی از چالش منازعه دیورند و استفاده هندوستان در میدان دشمنی اش با پاکستان از این منازعه، نشان میدهد که افغانستان قبل از آنکه پیروز این میدان باشد، قربانی این میدان است.

دولت پس از سقوط طالبان بریاست حامد کرزی با سیاست های احساسی و عاطفی، افغانستان را همچنان در برزخ چالش روابط با هند و پاکستان معذب نگهداشت. در سایه این سیاست، افغانستان همچنان میدان جنگ نیابتی هند و پاکستان باقی ماند.

اما حالا که دولت وحدت ملی با ریاست جمهوری اشرف غنی و ریاست اجرایی عبدالله عبدالله شکل گرفته است، آیا رئیسان این دولت به خصوص رئیس جمهور غنی با نگاه و سیاست جدید و معطوف به عقلانیت و واقع گرایی، افغانستان را از این برزخ بیرون خواهد کرد؟